



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال نهم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۵

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 9, No. 2, Summer 2026



ویژگی‌های الگوهای مؤثر بر تغییر رفتار اخلاقی با تأکید بر قرآن کریم

doi 10.22034/ethics.2025.52089.1803

عباس علی‌پور* | محمد رضا سالاری فر** | احمد غلامعلی***

چکیده

برای تغییر رفتار فاعل‌های اخلاقی، در دانش اخلاق و روان‌شناسی، روش‌هایی بیان شده است که از بین آن، معرفی الگو مؤثرترین آن است؛ چون چیزی را بر الگوپذیر تحمیل نمی‌کند؛ بلکه موجب تقویت گرایش‌های درونی او می‌شود. با توجه به این که تأثیر الگوها شدت و ضعف دارد، در این تحقیق بررسی می‌شود که «چه نوع الگوهای تأثیرگذاری بیشتری بر الگوپذیر دارد» برای پاسخ، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. ابتدا تغییراتی که از مشاهده الگو در الگوپذیر ایجاد می‌شود، از کتب تربیتی و روان‌شناسی استخراج شد و سپس تبیین گردیده کدامیک از الگوهای که قرآن معرفی کرده، این تغییرات را به میزان بیشتری در الگوپذیر ایجاد می‌کند. مهمترین علت تأثیرگذاری الگو آن است که الگوپذیر با مشاهده الگو، رسیدن به هدف برایش ارزشمند می‌شود و دستیابی به آن در نظرش شدنی و قابل تحقق جلوه می‌کند و در نتیجه انگیزه او برای انجام آن رفتار افزون می‌گردد. بر این اساس، الگوهایی که در سن، جنسیت و امکانات، مشابهت بیشتری با الگوپذیر دارند، و نیز آنان که به موفقیت‌های بسیار شاخصی رسیده‌اند، همچنین الگوهایی که با غلبه بر موانع زیاد توانسته‌اند اهدافشان را محقق سازند، تأثیرگذاری بالایی بر گرایش‌ها و رفتار الگوپذیر دارند.

کلیدواژه‌ها

الگوهای اخلاقی، الگوپذیری، اخلاق اسلامی، تربیت اسلامی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. (نویسنده مسئول) aap@mailfa.com

** دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. mslarifar@rihu.ac.ir

*** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. gholamali.a@qhu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

■ علی‌پور، عباس؛ سالاری فر، محمد رضا؛ غلامعلی، احمد. (۱۴۰۵). ویژگی‌های الگوهای مؤثر بر تغییر رفتار اخلاقی با تأکید بر

قرآن کریم. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۹(۳۱)، ۱۱۷-۱۳۴. doi: 10.22034/ethics.2025.52089.1803

مقدمه

از روش‌های تغییر رفتار که بسیار تأثیرگذار است، روش الگویی است. تأثیرگذاری این روش از آن جهت است که چیزی بر الگوپذیر تحمیل نمی‌کند؛ بلکه انگیزه درونی او را برای انجام رفتار تقویت می‌سازد. این روش، همچنین فضائل و ارزش‌ها را به صورت عینی و عملی، مجسم می‌نماید و نیز غیر مستقیم بدون امر و نهی، شناخت، گرایش و رفتار را تغییر می‌دهد. روشی فراگیر است که با آن می‌توان هر رفتاری را اصلاح کرد و نیز برای هر کسی در هر سنی، مفید است. افزون بر این، مهمترین علت تأثیرگذاری زیاد الگو آن است که دو تغییر اساسی در الگوپذیر پدید می‌آورد:

الف) الگوپذیر هدف را قابل تحقق می‌داند و توانایی خود را برای رسیدن به آن هدف، باور می‌کند.

ب) با مشاهده الگو، هدف برای او ارزشمند می‌شود. نتیجه باور توانایی و ارزشمندی هدف آن است که انگیزه او برای رسیدن به هدف تقویت می‌گردد. بنابراین، الگوهایی که این تأثیرات را به میزان بیشتری در الگوپذیر پدید آورند، انگیزه او را بیشتر تقویت می‌کنند. بر این اساس، این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است که تأثیر کدام الگوها در تغییر رفتار الگوپذیر بیشتر است؟

مفهوم رفتار، که موضوع اصلی این پژوهش است، گستره وسیعی دارد. رفتار را آن چیزی که مردم انجام می‌دهند و می‌گویند، تعریف کرده‌اند (میلتن برگر، ۱۳۹۹، ص ۲). و نیز گفته‌اند: رفتار همه اعمالی است که با اختیار از انسان سر می‌زند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۲). رفتار را به جوارحی و جوانحی (خیمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳-۲۹۴) و در تقسیم دیگر آن را به «عمل نفسانی و بدنی» تقسیم کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۳). همچنین گفته‌اند: مفهوم رفتار، شامل رفتارهای نهان یعنی رویدادهای درونی فرد نیز می‌شود (سیف، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

در آیات و روایات، مفهوم رفتار با واژه‌هایی چون «فعل» و «عمل» و «سعی» و «محاولة» و «کسب» بیان شده است. در میان این واژه‌ها، کلمه «عمل» در قرآن و روایات کاربرد بیشتری دارد. در این نوشتار منظور از رفتار، همه مصادیق آن است: رفتار آشکار و پنهان، نفسانی و بدنی، کنشی و واکنشی و به طور کلی آنچه را که انسان با اختیار انجام می‌دهد.

تغییر رفتار: حذف و اصلاح رفتارهای ناسازگار و ایجاد رفتارها و مهارت‌های سودمند در انسان تغییر رفتار گفته می‌شود (سیف، ۱۳۹۱، ص ۴۰). با توجه به گستره مفهوم رفتار، تغییر رفتار نیز مفهومی گسترده دارد و علاوه بر رفتار آشکار یا جوارحی، شامل اعمال جوانحی همچون ایجاد امید و آرامش، کنترل فکر و تخیل، غفلت‌زدایی، ایجاد حسن ظن و مثبت‌نگری و ... نیز می‌شود.

بنابراین، در این پژوهش، «تغییر رفتار» شامل حذف و اصلاح رفتارهای ناسازگار و ایجاد و تقویت رفتارهای سودمند اعم از رفتارهای پنهان و آشکار می‌گردد.

«الگو» در لغت به معنای نمونه، طرح، سرمشق، و مثال است (معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۴۲)؛ همچنین به معنای مُقْتَدی، اُسُوَه و قدوه نیز آمده است. (دهخدا). «اسوه» در آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (سوره احزاب، آیه ۲۳)، را به معنای تبعیت و پیروی ترجمه کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸) و نیز به معنای «پیروی در آنچه می‌گوید و انجام می‌دهد» ترجمه کرده‌اند (طوسی، ۳۲۹/۸).

با توجه به این تعاریف، الگو و اسوه و مقتدی و قدوه، یک مفهوم را می‌رساند و منظور از الگو در این پژوهش، کسی است که دیگران از او تأثیر پذیرفته و در آگاهی و گرایش و رفتار یا یکی از این موارد از او تبعیت کرده و شبیه او می‌شوند.

در این تحقیق - با روش توصیفی- تحلیلی - ابتدا تغییراتی که از مشاهده الگو در الگوپذیر ایجاد می‌شود، از کتب تربیتی و روان‌شناسی استخراج شد و سپس تبیین گردید کدامیک از الگوهای که قرآن معرفی کرده، این تغییرات را به میزان بیشتری در الگوپذیر ایجاد می‌کند. با بررسی الگوهای معرفی شده در قرآن، مشخص گردید این الگوها دارای تأثیرگذاری بیشتری بر رفتار الگوپذیر هستند:

الف) الگوهای دارای رفتار داوطلبانه؛

ب) الگوهای محبوب؛

ج) الگوهای دارای برجستگی زیاد.

این سه نوع الگو موجب ارزشمندی هدف و در نتیجه تقویت انگیزه می‌شوند.

د) الگوهای مشابه؛

ه) الگوهای برخوردار از تجربه‌های پیشین؛

و) الگوهای موفق در اوج مشکلات.

این سه نوع الگو، موجب «تقویت باور توانایی» و در نتیجه افزایش انگیزه می‌گردد.

ز) الگوهای قابل مشاهده و همراه.

اکنون این موارد بررسی می‌شود:



۱. الگوهای دارای رفتار داوطلبانه

افرادی که کارشان را داوطلبانه انجام می‌دهند و به خاطر آن مزد نمی‌گیرند، الگوهای تأثیرگذاری برای دیگران هستند. بر این اساس، خداوند حکیم برای اینکه تأثیر پیامبر بر رفتار مردم و نفوذش بر دل‌ها بیشتر شود، به ایشان فرمود: «به مردم بگو من از شما مزد نمی‌خواهم» و ایشان نیز این پیام را به مردم رساند (سوره هود، آیه ۵۱). همچنین خداوند حکیم برای ابطال بهانه تکذیب کنندگان پیامبر، خطاب به پیامبر می‌فرماید: «آیا تو از آنها مژدی می‌طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است؟» (سوره قلم، آیه ۴۶). این آیات و آیات مشابه بیان‌گر آن است که مشاهده الگوهایی که بدون مزد، به جامعه خدمت می‌کنند، تأثیر بیشتری بر رفتار الگوپذیران دارند. بنابراین، معرفی و الگوسازی از افرادی که داوطلبانه برای امنیت، سلامت، پیشرفت و افزایش آگاهی مردم تلاش می‌کنند، بسیار تأثیرگذار است.

۲. الگوهای برخوردار از تجربه‌های پیشین

اگر انسان کاری در نظرش ارزشمند باشد و نیز خود را در انجام آن توانمند بداند، انگیزه انجام آن در او تقویت می‌شود؛ چون «میزان ارزش هدف ضرب در میزان باور توانایی، مساوی است با میزان انگیزش» (سیف، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶). بنابراین، هرکدام از «ارزش هدف» و «باور توانایی» افزایش یابد، حاصل ضرب نیز افزایش می‌یابد و اگر هر دو تقویت شود، نتیجه بسیار چشمگیر خواهد بود، اما اگر باور توانایی صفر شود، هرچند هدف بسیار ارزشمند باشد، نتیجه نیز صفر خواهد شد؛ یعنی اصلاً انگیزه ایجاد نمی‌شود. برای مثال، اگر دانشمندان کشف کنند سیاره‌ای که ده هزار سال نوری با زمین فاصله دارد، صد درصد از طلا تشکیل یافته است، کسی انگیزه رفتن و آوردن طلا در او ایجاد نمی‌شود؛ چون هیچ امیدی برای رسیدن به هدف وجود ندارد.

«کسی که خود را توانمند می‌داند، رفتار و شناخت و احساساتش متفاوت از موقعیت‌هایی است که خود را عاجز و ناتوان می‌شمارد» (کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). بر این اساس، خداوند حکیم برای ایجاد انگیزه جهاد، پیروزی در جنگ را امری شدنی جلوه می‌دهد و نیز می‌فرماید: اگر شما در جنگ آسیب می‌بینید، دشمن نیز آسیب می‌بیند، بنابراین، سست نشوید (سوره نساء، آیه ۱۰۴). این آیه بعد از جنگ احد که مسلمانان صدمات و جراحات زیادی دیده بودند، نازل شده و با این بیان، به همه مجاهدان تا روز قیامت، انگیزه جهاد می‌دهد (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۵).

تا این جا روش شد بدون احساس توانایی، انگیزه رفتار ایجاد نمی شود. یکی از عواملی که در انسان باور توانایی ایجاد می کند، مشاهده الگو است. انسان با مشاهده الگو ناخودآگاه می گوید: «چون او توانسته این کار را انجام دهد، من هم می توانم». خداوند حکیم برای این که اجرای دستورات پیامبر را امری شدنی جلوه دهد، فرمود: «پیامبری از جنس خودتان برای تان فرستادیم» (سورة توبة، آیه ۱۲۸). علت این که پیامبران از جنس بشر انتخاب شده اند، این است که مردم نگویند ما نمی توانیم همانند آنان باشیم.

هرچند با مشاهده الگو، باور به تحقق پذیری هدف ایجاد می شود، اما مشاهده افرادی که نوعی ناهنجاری را ترک کرده اند، باور پذیری بیشتری در الگوپذیر ایجاد می کند و انگیزه ترک آن رفتار در او تقویت می سازد. «اگر چنین الگویی با او در تماس مستقیم باشد و کمی توجه و محبت به او نشان دهد، احتمال این که به عنوان الگو برگزیده شود بسیار زیاد است» (کرومبولتز، ۱۳۶۸، ص ۸۸)؛ به همین خاطر، شرکت در جلسات «انجمن معتادان گمنام» برای تداوم انگیزه ترک اعتیاد، بسیار مفید است.

انسان با مشاهده فرد موفق، ممکن است بپندارد او دارای موقعیت و امکاناتی بوده که من ندارم، اما با مشاهده کسی که برای مثال، با تحمل سختی زیاد اعتیاد را ترک کرده، باور «من هم می توانم» در او تقویت می شود. بر این اساس، خداوند داستان افرادی که گرفتار گناه بوده و تحول شگرفی در آنان ایجاد شده، مکرر بیان فرموده است. قرآن حکیم سه بار داستان ساحرانی که منکر خداوند بودند و برای یاری فرعون و با وعده ثروت و قدرت آمده بودند، ولی در نهایت با پذیرش ایمان شهید شدند، بیان کرده است. آنان چنان ایمان را ترجیح دادند، که در جواب تهدید فرعون گفتند: «لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (سورة الشعراء، آیه ۲۶). جمله «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» علت جمله «لَا ضَيْرَ» است؛ یعنی ما با این عذابی که ما را از آن می ترسانی، ضرر نمی کنیم؛ چون با کشته شدن، به سوی خدا می رویم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۷۶).

۳. الگوهای محبوب

انسان فطرتاً دوستدار خوبی ها و فضائل و ارزش ها است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «همه مردم، فرد سخاوتمند را دوست دارند و می ستایند؛ اگر چه از سخاوت او چیزی به مدح کننده نرسد»^۱

۱. «الْجَوَادُ مَحْبُوبٌ مَّحْمُودٌ وَإِنْ لَمْ يَصِلْ مِنْ جُودِهِ شَيْءٌ إِلَى مَا دَجِهٍ».



(لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۷). معنای این سخن آن است که انسان صفات کمال را دوست دارد. بر این اساس، شیفته کسانی که دارای آن صفات هستند، می شود (شیر، ۱۳۸۷، ص ۴۰۶) و ناخودآگاه از او تأثیر می پذیرد. استاد مطهری این روش را «ارادت» می نامد و می گوید: «محبت به سوی مشابَهت و مشاکلت می راند و قدرت آن سبب می شود که مُحب به شکل محبوب درآید» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۷۳). به همین دلیل «ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، مؤثرترین عامل در تغییر انسان است» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۹۰). بنابراین، کسانی که محبوب باشند، دیگران شبیه آنها می شوند. خصوصاً «اگر او را انسان کامل بدانند و بعد شیفته اخلاق او بشوند. در این صورت، فوق العاده تغییر می کنند» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۹۰). آیه ۳۱ آل عمران به تأثیر دوستی فرد در پیروی از او و به تبع الگوگیری از او دلالت دارد. مضمون آیه نشان می دهد که اثر قطعی دوستی پیروی است و اگر واقعاً رسول خدا را دوست دارید از او تبعیت خواهید کرد. جالب است که اگر فردی به رشته ای علاقه پیدا کند، دلبسته مشاهیر آن رشته می شود و در نتیجه، آنان را الگوی خویش قرار می دهد. این که الگوپذیران، چه کسانی را دوست می دارند، بستگی به میل و گرایش آنان دارد که به آن اشاره می شود.

الف) افراد دارای جاذبه ظاهری: در پژوهشی مشاهده شد اگر راننده ای با لباس آراسته و شیک از تابلوی عبور ممنوع می گذشت عده بیشتری به دنبال او همین خطا را مرتکب می شدند تا شخصی که لباس شلخته پوشیده بود (آرگایل، ۱۳۹۳، ص ۳۲۴).

هرچند آراستگی ظاهری، ایجاد مقبولیت می کند، اما تأثیر این افراد بر رفتار دیگران، ناشی از این است که دیگران این ویژگی را نشان از موقعیت اجتماعی او می دانند. بر این اساس، از رفتار او الگو می گیرند. بر اساس یک پژوهش، قابلیت احترام، پایگاه اجتماعی، شایستگی و لیاقت فردی، از جمله ویژگی هایی است که موجب می شود الگوپذیران به آنان توجه بیشتری کنند و از آنان تأثیر بپذیرند (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳).

آموزه های اسلامی نیز بر حسن ظاهری و تأثیر آن تأکید دارد. از این رو، چهره و وضعیت ظاهری انبیای الهی همواره زیبا و جذاب بوده است. هرچند قرآن فقط زیبایی حضرت یوسف را به صراحت بیان کرده است (سوره یوسف، آیه ۳۱) ولی با ملازمه می توان دلالت بر جذابیت سایر انبیای الهی را به دست آورد. برای مثال، هر گونه تهمت و انتقاد به انبیا در قرآن به نقل از منکران آمده است، ولی اعتراض و انتقادی به چهره و ظاهر آنان، نقل نشده است.

(ب) ثروتمندان: هر انسانی گرایش به ثروت دارد و بسیاری از مردم برای افزایش ثروت، تلاش می‌کنند. علت این که مردم با حسرت به قارون می‌نگریستند، آن بود که آنان خواهان مال دنیا بودند (سوره قصص، آیه ۷۹). بر اساس پژوهش در خراسان رضوی، از میان معیارهای متعدد، داشتن ثروت زیاد، بالاترین نقش را در الگوگیری داشته است (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷). چون ثروتمندان نزد بسیاری از افراد، دارای مقبولیت هستند، سبک زندگی آنان، بر رفتار کسانی که دلبسته آنها هستند، تأثیر می‌گذارد. «حضرت نوح (ع) (بعد از نومییدی از هدایت قومش) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندان‌شان چیزی جز زیان‌کاری بر آنها نیفزوده است!» (سوره نوح، آیه ۲۱) یعنی مردم منطقه من، از اشرفی که مال و فرزند زیادی دارند، پیروی می‌کنند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ۴، ص ۴۵۱). این آیه شریفه نشان می‌دهد داشتن ثروت و قدرت، سبب پیروی و تأثیرپذیری مردم می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۸، ۱۰، ص ۲۳۷).

به دلیل تأثیرگذاری افراد ثروتمند بر بسیاری از افراد، معرفی ثروتمندانی همچون حضرت خدیجه و شهید ادواردو آیلی در قالب داستان و فیلم، موجب الگوگیری دیگران از آنان می‌شود.

۱۲۳

(ج) ورزشکاران: پژوهش در بین جوانان نشان داده آنان تأثیر زیادی از ورزشکاران می‌گیرند؛ بنابراین، شایسته است نویسندگان و مبلغان و کارگردانان، «پهلوان پوریای ولی» و نیز شهدای ورزشکار همچون شهید ابراهیم هادی را هنرمندانه معرفی کنند (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷).

(د) متخصصان رشته‌های مختلف: با توضیحات بالا روشن شد افرادی که دارای ویژگی‌هایی باشند که بتوانند توجه دیگران را جلب کنند، الگوی جامعه می‌شوند. بر این اساس، «ورزش‌کاران، هنرمندان، دانشمندان و متخصصان، مدیران و حاکمان و... مورد توجه قرار می‌گیرند و نقش الگویی دارند» (کرومبولتز، ۱۳۶۸، ص ۹۳). تجارب گذشته نیز نشان می‌دهد مشاهیر جامعه، آن‌گاه که برای حمایت از نیازمندان و آسیب دیدگان و جمع‌آوری مایحتاج برای آنان اقدام کرده‌اند دارای نقشی تأثیرگذار بوده‌اند. (رافتی، ۱۴۰۰)

تأثیرپذیری از ثروتمندان و مشاهیر و سلبریتی‌ها ناشی از احساس کمبود و برای رسیدن به جذابیت و موقعیت اجتماعی بالاتر است؛ به همین علت «تغییرات مُد، ابتدا افرادی از طبقه بالایی اجتماع آغاز می‌کنند و سایر اقشار از آنان تقلید می‌کنند» (آرگایل، ۱۳۹۳، ص ۳۲۶). بر این اساس، هرکسی به هر دلیلی فردی را مهم و بزرگ بشمارد، از او تبعیت و اطاعت می‌کند. جهنمیان بعد از ابراز پشیمانی می‌گویند: «ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند» (سوره احزاب، آیه ۶۷).



در کشور ما نیز سلبریتی‌ها توانسته‌اند با نمایش زندگی اشرافی، مصرف‌گرایی را ترویج کنند و ارزش‌های نوجوانان را تغییر دهند. (رافتی، ۱۴۰۰)

بنابراین، افرادی که می‌خواهند شناخت‌ها، باورها و گرایش‌های جامعه را اصلاح کنند، بدون داشتن مقبولیت، موفق نمی‌شوند. انبیای الهی از آن رو که در دل‌های مردم نفوذ می‌کردند، توانستند آداب و رسوم جامعه را اصلاح کنند. به عنوان نمونه قدرت نفوذ پیامبر در داستان ازدواج جویبر که بسیار فقیر بود و پیامبر خدا او را به خواستگاری دختری از خانواده اشراف فرستاد، مشهود است. پدر دختر فقط به خاطر این که او فرستاده پیامبر (ص) بود، پذیرفت (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۱۴).

ه) معلمان و والدین: نوزاد از ابتدای ورود به دنیا، با دیدن و شنیدن در حال یادگیری است و اطرافیانش غیر مستقیم به او آموزش می‌دهند؛ قرآن حکیم می‌فرماید: «خداوند شما را از شکم مادران‌تان خارج نمود در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد» (سوره نحل، آیه ۷۸). آنان سال‌ها در کنار والدین و سپس معلمان هستند و تمام رفتارهای آنان را مشاهده می‌کنند. علاوه بر آن، کودک، نگاه ویژه‌ای به معلم خود دارد و او را دارای مقبولیت و موقعیت اجتماعی بالایی می‌داند و از رفتار و اندیشه و گرایش او تأثیر زیادی می‌پذیرد. با توجه به تأثیر زیاد معلمان بر کودکان، لازم است گزینش آنان، دقیق انجام گیرد و نیز برنامه‌های تربیتی مداوم برای آنان وجود داشته باشد و شبهات آنان پاسخ داده شود و مکرر رفتار آنان ارزیابی گردد. تمام روایاتی که در مورد ضرر لغزش علما وجود دارد، شامل معلمان خصوصاً معلمان ابتدایی نیز می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در مورد ضرر لغزش دانشمندان، فرمود: «زَلَّةُ الْعَالِمِ كَانْكَسَارِ السَّفِينَةِ تُغْرَقُ وَ تُغْرَقُ» (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۱، ص ۳۱۹)؛ «لغزش عالم، همچون شکستن کشتی است که غرق می‌شود و دیگران را نیز غرق می‌کند». بنابراین، والدین و معلمان چون همیشه در معرض مشاهده بچه‌ها هستند، باید جلو آنان رفتار خود را کنترل کنند؛ و اگر رفتار نامناسبی انجام دهند، برای کاهش آسیب‌پذیری کودکان، باید بگویند رفتارشان اشتباه بوده و نیز مضرات آن را بیان کنند.

۴. الگوهای مشابه الگوپذیر

انسان با مشاهده الگو در صورتی توانایی خود و ممکن بودن دسترسی به هدف را بیشتر باور می‌کند و نیز گرایش به رفتار خوب در او تقویت می‌شود که با الگو همسان باشد؛ «هر چه شباهت الگو و الگوپذیر بیش‌تر باشد انگیزه بیش‌تری برای همانندسازی و تبعیت در الگوپذیر

ایجاد می‌کند» (فانمی مقدم، ۱۳۸۲). خداوند حکیم در مورد مشابهت پیامبر با دیگران می‌فرماید: «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴)؛ «پیامبری از خودشان برای آنان برانگیخت». بسیاری از مفسران، «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» را به معنای عرب بودن ایشان تفسیر کرده‌اند که سخنی عجیب است؛ ولی بعضی دیگر از مفسران، به معنای همانندی در انسان بودن دانسته‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۸). بنابراین، «پیامبران از جنس بشر انتخاب شدند با همان نیازها و غرائز تا بتوانند الگوی انسان‌ها باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۵۹).
مشابهت در این ویژگی‌ها موجب افزایش تأثیر الگوها می‌شود:

الف) مشابهت در سن

اگر نوجوانان، رفتاری را که نیاز به مهارت زیادی دارد، از بزرگسالان مشاهده کنند، چه بسا «احساس توانایی» زیادی در آنان ایجاد نشود، ولی اگر همان رفتار را از نوجوانی همسن خود ببینند، احساس توانایی بیشتری در آنان ایجاد می‌شود و اگر آن را از کودکی خردسال‌تر شاهد باشند، این احساس مضاعف می‌گردد.

ب) مشابهت در زمان

اگر منحصراً الگوهایی از ادوار گذشته معرفی شوند، چه بسا الگوپذیر بپندارد اگر ما نیز در زمان آنان بودیم، همانند آنان می‌شدیم. چنین برداشتی، ناشی از این است که می‌پندارد عوامل محیطی باعث موفقیت او شده‌اند. بنابراین، معرفی الگوهایی که در این زمان زندگی می‌کنند و از نظر امکانات و موقعیت، مشابه الگوپذیر هستند، «باور توانایی» را بیشتر تقویت می‌کند. بر این اساس، اگر علما و دانشمندان شاخصی که هم اکنون کنار مردم هستند، نیز شهدای معاصر که مردم زندگی آنان را دیده‌اند، در قالب داستان و فیلم به مردم معرفی شوند، موجب آسان‌پنداری و باور توانایی می‌شود. اهتمام بسیار زیاد امام خامنه‌ای به معرفی شهدا (دفتر نشر آثار امام خامنه‌ای، ۱۴۰۲) و تقریظ بر کتاب‌هایی که در مورد شهدا و خانواده آنان نگاشته شده، بر همین اساس است.

ج) مشابهت در جنسیت

اگر الگوهای اخلاقی که به جامعه معرفی می‌شوند، منحصراً از میان مردان باشند، چه بسا این ذهنیت برای زنان ایجاد شود که فقط مردان توان رسیدن به آن فضائل را دارند و یا اگر الگوها فقط از میان زنان معرفی شوند، چه بسا مردان بپندارند که زنان به خاطر عدم اشتغال به کار، آسان‌تر



می‌توانند موفق شوند. بر این اساس، خداوند در قرآن علاوه بر معرفی مردانی همچون اصحاب کهف و ساحرانی که فریفته و عده فرعون نشدند، داستان زندگی حضرت مریم و همسر فرعون را نیز بیان کرده است. برای ایجاد انگیزه تلاش در جامعه، لازم است زنان و مردانی که در هر عرصه‌ای شاخص هستند، در قالب‌های هنری همچون داستان و فیلم و... معرفی شوند.

د) مشابهت در گرایش‌ها

شدت و ضعف گرایش‌ها در هر کسی نسبت به دیگری متفاوت است و این تفاوت، موجب تفاوت رفتارهای آنان می‌شود. خداوند حکیم با بیان بعضی از گرایش‌های انسان می‌فرماید: «محبّت امور مادی، در نظر مردم جلوه داده شده است» (سوره آل عمران، آیه ۱۴). علامه طباطبایی در توضیح آیه می‌گوید: «مردم در شیفتگی به دنیا متفاوتند: بعضی تمایل بیشتر به شهوت جنسی دارند، بعضی قدرت‌طلب و بعضی دیگر جویای ثروت هستند، اما کسی که همه را مساوی دوست بدارد و همه برایش هدف اصلی باشد، یافت نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۰۵). پژوهش‌ها نیز همین را نشان می‌دهد؛ برای مثال، انگیزه اکتشاف در بسیاری از انسان‌ها در مقام پنجم قرار دارد، اما در مورد برخی از انسان‌ها که عطش علمی فراوان داشته‌اند، از هر انگیزه دیگری نیرومندتر بوده است (پارسا، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

با توجه به تفاوتی که هر انسانی نسبت به دیگری از جهت میزان هر گرایش دارد، تأثیرپذیری آنها از الگوها متفاوت است؛ کسی که گرایش به ثروت در او شدید است، با مشاهده ثروتمندان، این گرایش شدیدتر می‌شود و کسی که گرایش شدید به علم دارد، با دیدن دانشمندان موفق، انگیزه کسب علم در او افزون می‌گردد. بنابراین، «انسان از الگوهایی که با اهداف و آرزوهای او سازگار باشد، تأثیر می‌پذیرد و تقلید می‌کند» (فانمی‌مقدم، ۱۳۸۲). از نظر بسیاری از جوانان، همانندی با سلبریتی‌ها بسیار جذاب است. «آنان به علت شهرتی که دارند مورد توجه بسیاری از جوانان قرار می‌گیرند بنابراین در مواردی مانند لباس پوشیدن و سبک زندگی، همانند آنان می‌شوند» (رافتی، ۱۴۰۰). بر این اساس، متولیان فرهنگی می‌بایست برای همه سلاقی جامعه متناسب با گرایش آنان، الگوهایی در همه رشته‌های علمی، هنری، ورزشی و... معرفی کنند.

ه) مشابهت در ملیت و کشور

برای اینکه امید در جامعه ایجاد شود، لازم است برتری علمی و پیشتازی دانشمندان شاخص ایرانی بر دانشمندان غربی در ادوار گذشته، به شکل برجسته‌ای نشان داده شود و نیز برای اینکه

کسی نپندارد عمل به وظایف دینی مانع موفقیت در عرصه‌های دیگر است، دانشمندان مسلمان به جامعه معرفی کردند.

اینها نمونه‌هایی از مشابهت بین الگو و الگوپذیر بود. هر چه این مشابهت بیشتر باشد، تأثیرپذیری افزون می‌شود. به همین علت لازم است الگوهای غیر معصوم نیز معرفی شوند؛ چون اگر منحصرأ از رفتار پیامبران و ائمه (ع) به مردم گفته شود، مخاطب بین خودش و آن بزرگواران مشابهتی احساس نمی‌کند و ناخودآگاه می‌گوید «پیامبران این‌گونه بوده‌اند؛ من که نمی‌توانم همانند آنها باشم». به همین دلیل، خداوند حکیم الگوهای دیگر را نیز معرفی کرده است. به عنوان مثال، ثبات اصحاب کهف بر ایمان و خطرپذیری آنان، در سوره کهف آمده و نیز استقامت بسیار شگفت ساحران و ترسیدن آنان از تهدیدات فرعون، چند بار در قرآن ذکر شده است (سوره اعراف، آیه ۱۲۵؛ سوره طه، آیات ۷۲-۷۳؛ سوره شعراء، آیات ۵۰ و ۵۱).



۵. الگوهای موفق در اوج مشکلات

معرفی افرادی که متأثر از محیط ناسالم نشده‌اند و از آسیب‌های محیط مقاوم مانده‌اند و و یا با وجود موانع و مریضی و نبود امکانات و امنیت، به اهداف والایی رسیده‌اند، «احساس باور توانایی» را افزون می‌کند. خداوند حکیم همسر فرعون را که در قصر می‌زیست و از امکانات رفاه و گناه بهره‌مند بود، اما از قدرت و ثروت و همه لذت‌ها گذشت و شکنجه‌های زیادی را در راه ایمان به خدا پذیرفت، الگوی مؤمنان معرفی می‌کند (سوره تحریم، آیه ۱۱). همچنین افرادی که از محیط ناسالم، متأثر نشدند و با انتخاب ایمان، مجبور شدند به غار پناه برند، معرفی می‌کند و آنان را می‌ستاید (سوره کهف، آیه ۱۳). بنابراین، باید افرادی همچون شهید دکتر مصطفی چمران و شهید عباس بابایی که در جوانی در آمریکا بودند، اما متأثر از محیط نبودند و در رشته خود موفق شدند، هنرمندانه به جوانان معرفی کنند.

۶. الگوهای دارای برجستگی زیاد

بر اساس نظریه رفتاری شناختی^۱ که به بررسی عوامل کنترل‌کننده رفتار می‌پردازد، مجموع نیروهای درونی و محرک‌های محیطی، انسان را به سوی عمل سوق می‌دهد و بین این دو، رابطه

1. social learning theory

متقابل وجود دارد و همدیگر را تقویت می‌کنند (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲). نظریه دیگر آن است که «انگیزش همیشه از درون ایجاد می‌شود حتی اگر برای مثال، گرسنه باشید و غذایی خوشمزه ببینید و به آن راغب شوید، غذا برانگیزنده شما نشده، بلکه شما به خاطر نیازی درونی (گرسنگی) عمل می‌کنید که با محرکی درونی (آگاهی شما از خوشمزه بودن همبرگر) ترکیب شده است» (ویتلی، ۱۳۸۸، ص ۲۷). این دو نظریه اگرچه در ظاهر با هم تعارض دارد، اما می‌توان این گونه بیان کرد که اگر عوامل درونی نباشد، عوامل بیرونی نمی‌تواند انسان را وادار به رفتار کند. قرآن حکیم نیز همین نظریه را تایید می‌کند؛ به عنوان نمونه در داستان قارون کسانی که دنیا را دوست داشتند با دیدن دارایی قارون، حسرت می‌خوردند و می‌گفتند کاش ما هم آنچه را که قارون دارد، داشتیم (سوره قصص، آیه ۷۹). این آیه شریفه بیانگر آن است که عامل محیطی (مشاهده فرعون) از آن جهت که آنان میل درونی به دنیا داشتند، دنیاطلبی آن را تقویت می‌کرد و موجب حسرت آنان می‌شد؛ بنابراین اگر میل به ثروت در آنان وجود نداشت، با دیدن قارون، گرایش به دنیا در آنان تقویت نمی‌شد. پذیرش ایمان نیز به خاطر گرایش درونی به ایمان است و اگر چنین گرایشی وجود نداشت، عوامل محیطی همچون شنیدن موعظه و مشاهده الگو، ایمان به خدا ایجاد نمی‌کرد، ولی از آنجا که فطرت انسان، به فضائل و ایمان گرایش دارد و از بی‌دینی و گناه بیزار است (سوره حجرات، آیه ۷)، با مشاهده افرادی که تجسم ایمان و فضائل هستند، هم شیفته آنان می‌شوند و هم گرایش و میل درونی‌شان به ایمان، زیاده‌تر می‌گردد. در داستان حضرت یوسف (ع) به این نکته اشاره شده است؛ از همان ابتدا که ایشان وارد زندان شد و هنوز کسی او را نمی‌شناخت، دو جوان دیگر نیز وارد شدند. آنان بعد از تقاضای تأویل خواب، به او گفتند: «تورا از نیکوکاران می‌بینیم» (سوره یوسف، آیه ۳۶).

انسان فطرتاً مایل است دارای فضیلت و کمال باشد و با مشاهده الگو این گرایش افزایش می‌یابد، اما با مشاهده الگوهای شاخص‌تر که به موفقیت‌های بسیار بالایی رسیده‌اند، بیشتر تقویت می‌شود. «هرقدر الگوها دارای برجستگی و کمال بیش‌تری باشند، تأثیر آنها بر الگوپذیر بیش‌تر است» (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲). چنین الگوهایی، تحسین و شگفتی الگوپذیر را برمی‌انگیزند (احلام رضوان، ۲۰۱۹ م). بسیاری از الگوهایی که خداوند معرفی می‌کند، این گونه هستند. اقدام حضرت ابراهیم (ع) به ذبح فرزند، و همراهی و موافقت حضرت اسماعیل (ع) و نیز خودداری حضرت یوسف (ع) از گناهی که برایش فراهم بود و نیز تحمل بدترین تهمت و ترجیح زندان بر زندگی پر رفاه در قصر، آنان را به الگوهایی بسیار شاخص و بی‌نظیر تبدیل کرده است.

۷. الگوهای همراه و قابل مشاهده

ممکن است انسان با مطالعه شرح حال الگوهایی که در زمان‌های سابق می‌زیسته‌اند، شیفته آنان شده و از نگرش و گرایش و رفتارشان تأثیر بپذیرد. نوع دیگر الگوها، آنانی هستند که در کنار انسان زندگی می‌کنند و انسان بدون واسطه رفتارشان را مشاهده می‌کند. الگوهای همراه که انسان می‌تواند آنان را ببیند و معاشرت و مجالست کند، تأثیر زیادی دارند؛ چون تأثیر همنشینی و مشاهده، بیش از مطالعه و شنیدن موعظه و حتی دیدن شرح حال آنان از رسانه است. استاد مطهری می‌گوید: «این اشتباه بزرگی است که برای گفتن و نوشتن، بیش از اندازه انتظار داریم. ما باید خوب رفتار کنیم تا مردم با چشم، ببینند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۸۷). پیامبر خدا (ص) فرمود: «لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ» (شنیدن مانند دیدن نیست) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴، ص ۳۷۸). جمعی از صحابه رسول خدا (ص)، به ایشان گفتند: هنگامی که ما نزد شما هستیم، چنان به دنیا بی‌رغبت می‌شویم و آن را فراموش می‌کنیم که گویا بهشت و جهنم را می‌بینیم (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴، ص ۲۱۳). چنین تأثیر عجیبی، نتیجه همنشینی و معاشرت با ایشان است و با خواندن و شنیدن سخنان ایشان، چنین تحولی ایجاد نمی‌گردد. بر این اساس، مربیان اخلاق، باید میان مردم باشند تا مردم همه رفتارهای آنان را در همه موقعیت‌ها ببینند. امام صادق (ع) فرمود: «اگر مردم رفتار خوب شما را مشاهده کنند، انگیزه رفتار خوب در آنان ایجاد می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳، ص ۲۰۲). نتیجه دیگر مشاهده الگو، ماندگاری پیام است. تحقیقات نشان داده که با شنیدن مطلبی حدود ده درصد آن به یاد می‌آید؛ ولی آنچه مشاهده شود، در آینده تا ۳۵ درصد آن به خاطر خواهد آمد. حال اگر از دو جنبه سمعی و بصری استفاده شود، میزان به خاطر سپردن مطالب، مجموعه این دو نسبت خواهد بود (کول، ۱۳۷۶، ص ۷۸). به همین علت، مهمترین شیوه تربیتی، ائمه (ع)، مجسم‌سازی ارزش‌ها و فضائل در رفتار بوده است؛ پیامبر اکرم و ائمه (ع) تنها سخنرانی نمی‌کردند؛ بلکه در معاشرت دائمی با مردم تجسم فضائل و ارزش‌ها بودند و اینگونه تأثیری ماندگار بر اصلاح رفتار مردم داشتند. سخن رسول خدا (ص) که فرمود من همچون شما غذا می‌خورم و در بازار راه می‌روم (سوره فرقان، آیه ۷) یا جمله دیگر ایشان که فرمود من بشری مثل شما هستم (سوره کهف، آیه ۱۱۰)، نشان می‌دهد که مشاهده و تعامل، ابزاری قوی برای تأثیرگذاری الگو است. اهمیت مشاهده رفتار، چنان زیاد است که بعضی معتقدند تنها راه اثرپذیری از یک عمل یا یادگیری آن، مشاهده آن عمل است (سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). حضرت عیسی (ع) نیز بر لزوم معاشرت و مشاهده تأکید کرده و فرمودند: با کسی هم‌نشین شوید که «رفتارش» شما را به آخرت راغب سازد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱، ص ۹۵).



انواع الگوها	تغییراتی که در الگوپذیر ایجاد می کند	
	موجب ارزشمندی هدف	موجب تقویت باور توانایی
الگوهای دارای رفتار داوطلبانه	✓	
الگوهای برخوردار از تجربه های پیشین		✓
الگوهای محبوب	✓	
الگوهای مشابه		✓
الگوهای موفق در اوج مشکلات		✓
الگوهای دارای برجستگی زیاد	✓	
الگوهای همراه و قابل مشاهده	✓	✓

نتیجه گیری

روش الگویی موجب می شود الگوپذیر توانایی خود در رسیدن به هدف را باور کند و نیز کمال طلبی و گرایش به خوبی ها در او بارور شود و انگیزه رفتار در او تقویت گردد؛ الگوهایی که دارای ویژگی های زیر باشند، تغییرات بالا را با شدت بیشتری ایجاد کرده و در نتیجه به میزان بیشتری موجب تغییر رفتار الگوپذیران می شوند:

کسانی که سابقه ناهنجاری داشته و آن را ترک کرده اند؛ افرادی که به خاطر داشتن کمالات و فضائل، محبوب شده اند؛ الگوهایی که در جنسیت، سن، محل زندگی، امکانات و... با الگوپذیر شباهت بیشتری دارند؛ کسانی که در قله فضائل هستند و الگوپذیر را مقهور توانمندی خود می سازند.

بنابراین، معرفی این الگوها بسیار تأثیرگذار است:

۱. آنان که بعد از ترک اعتیاد و یا رهایی از نوعی ناهنجاری، شدیداً متحول شده و موقعیت والایی یافته اند،
۲. نابینایان و معلولان و نیز افرادی که در محیط فساد و گناه یا در ناامنی و مشکلات و کمبودها، پیروز شده اند.

چون الگوپذیران از جهت سن و جنس و گرایش متفاوت هستند، الگوهایی که معرفی می‌شوند باید از بین زنان، مردان، و همهٔ سنین و صاحبان همهٔ حرفه‌ها و مشاغل باشند. نهادهای فرهنگی، مربیان، نویسندگان، مبلغان و رسانه‌ها، می‌بایست چنین الگوهایی را بیابند و بشناسانند و بیش از آن‌که مباحث اخلاقی را با امر و نهی بیان کنند، آن را با معرفی الگوهایی که نمونهٔ عینی آن فضائل هستند، بیان سازند. به عنوان نمونه خداوند حکیم در داستان حضرت یوسف (ع) آموزه‌های اخلاقی زیادی را در ضمن معرفی ایشان، بیان کرده است. بر این اساس، باید برای مثال، در موضوع اخلاق و روش همسرداری، کتاب‌هایی نوشته شود که به جای توصیه، سیرهٔ ائمه (ع) و علمای متخلق و شهدا را در قالب شرح حال بیان کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی).

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأملی (للصدوق). تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التئویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۲۳ق). تأویل مشکل القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- احلام حسن عبد الله رضوان. (۲۰۱۹م). التریبه بالقده. المجله الدولیه للدراسات التربویه و النفسیه، ۶، ۳۸۶-۳۶۳.
- آرگایل، مایکل. (۱۳۹۳). روان‌شناسی پیام‌رسانی حرکات بدن (ترجمهٔ مرجان فرجی). تهران: جوانه رشد.
- بهزادی، حسن؛ و محمودی، حسن. (۱۳۹۷). بررسی نقش یادگیری مشاهده‌ای بر وضعیت مطالعه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا. نشریه کتابداری و اطلاع‌رسانی، (۸۱)، ۵۴-۲۵.
- پارسا، محمد. (۱۳۷۹). زمینه روان‌شناسی. تهران: نشر بعثت.



- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). مفاتیح الحیة. قم: نشر اسراء.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل. [بی‌جا]: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داوودی، محمد. (۱۳۸۵). تربیت اخلاقی در سیره پیامبر و اهل بیت [رساله دکتری]. دانشگاه تربیت معلم.
- دفتر نشر آثار امام خامنه‌ای. (بی‌تا). [یادداشت]. بازیابی از <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=55126>
- رأفتی، ناهید. (۱۴۰۰). نقش فرهنگ سلبریتی‌ها بر سبک زندگی نوجوانان. نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، ۴(۹۵-۱۱۴).
- سلیمی، علی؛ ابوترابی، محمود؛ و داوری، محمد. (۱۳۸۹). همشینی و کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دار الفکر.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۱). تغییر رفتار و رفتار درمانی. تهران: نشر دوران.
- شیر، عبدالله. (۱۳۸۷). اخلاق (ترجمه محمد رضا جباران). قم: نشر هجرت.
- شجاعی، محمد صادق. (۱۳۸۹). درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار بارویکرد اسلامی. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: نشر ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). معانی القرآن (فراء). قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قائمی مقدم، محمد رضا. (۱۳۸۸، شهریور). روش الگویی در تربیت اسلامی. معرفت، ۶۹(۲۵-۳۷).
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.
- کرومبولتز، جان دی.؛ کرومبولتز، هلن بی. (۱۳۶۸). تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان (ترجمه و تألیف یوسف کریمی). تهران: انتشارات فاطمی.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۱). رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی (چاپ پنجم). تهران: قدیانی.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ق). کافی. قم: دار الحديث.

کول، کریس. (۱۳۷۶). کلید طلایی ارتباطات (ترجمه محمد رضا آل یاسین). [بی‌جا]: هامون.

لثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحديث.

محمودی، مریم. (۱۳۹۸). نقش الگوها در تربیت اخلاقی نوجوانان با تأکید بر منابع اسلامی. [بی‌جا]: نشر بیکران دانش.

مصباح یزدی، محمدتقی؛ و همکاران. (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. [بی‌جا]: انتشارات مدرسه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: نشر صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). جاذبه و دافعه علی. تهران: نشر صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). ده گفتار. تهران: نشر صدرا.

مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ اول). تهران: دار الکتب الإسلامية.

میلتن برگر، ریموند جی. (۱۳۹۹). اصول و روش‌های تغییر و اصلاح رفتار. تهران: نشر ارسباران.

ویتلی، دنیس. (۱۳۸۸). روان‌شناسی انگیزش (ترجمه افشین ابراهیمی). تهران: نشر نسل نواندیش.

